

ققنوس

بی آنکه بخواهم
بی آنکه بدانم
بی آنکه دستی باشم بر آتش
آتشینم
ققنوس پر گشوده
بر قله های آتش فشانم
خورشید رهایی
بر زیر پر دارم
سرخ آتشین
چون شراره ی
بر جسم ارتجاع
و اژدهای صد سر را
صد وا همه از من
آری
ققنوسم
در ظلمتکده ی شهر
زمن میکشد صد اخگر فروزان زبانه
هزار جرقه ای امید

و هزاران شراره های آرزو
آرزوی فردای روشن
و امید آنکه
بلرزاند کاخ ستم را
و سست کند بنیاد ظلم را
گردباد آزادی
نشسته در کوره انتظار
تا یابم تولدی دگری
در امواج آتشین انقلاب
ققنوسم
سرخ و آتشین

سوما کاویانی

۲۰۱۵/۲/۸

۲۵:۲ بعد ظهر